

و ششم بر جهازی خورد^۱ برتانیه نام که بسی
 ۲ گنی یعنی سه صد روپیه مئانی دران کرایه و هشتاد
 روپیه خرج بیش شده بود سوار شده بعزم^۳ لندن
 نگر بوداشتم کپتان آن ماهر علم جهاز رانی موسوم
 ۴ بکلک^۴ ت ایرلند بسه زمین بر خوردیم هر مرتبه خبر
 میداد که فردا فتن وقت آن زمین را خواهیم دید
 بی تفاوت وقایع همانوقت مشهود می شد* و در
 حُجریهای این جهاز با وجود تندی چون جای گذاشتن
 اسباب بسیار بحکمت ساخته بودند و تعبیه ها برای
 مدافعه صدمات وقت طوفان نموده و بجهت حرکت
 سکان و کشیدن لنگر آنها نصب کرده و ملاحان اگرچه
 در تدک کم هندی سی نفر اما همه ماهر و باقف
 کار بودند بذاب این کار بسیار بسهولت تمام می شد
 و اثری از بی آسای های خاصه جهاز سابق که
 مرا بسیار رنج میداد درین نبود* روز جمعه در درجه
 بیست و هفتم جنوبی استوا باز بیدک تجارت مذکور
 بر خوردیم* از روز حرکت الی الآن نیز باد مراد بوده
 که هفت و نیم درجه در دو نیم روز طی شد* سه شنبه
 نهم جماد الاول نصف النهار بجزیره^۶ سنت هلیدا

1 Britannia. 2 Guinea. 3 London. 4 Clark. 5 Ireland. 6 St. Helena

رسیده لنگر انداخت آن روز و دهم ماه مهمن احسان
 ۱ کورنو بروک و بسیر اطراف و باغات آن مشغول
 بودیم بار دهم شام بعد فراغ طعام چهار عمارت کرده
 روانه پیش شدیم *

صفت جزیره سنت هلینا * مجملی از اوضاع

۲ سنت هلینا ایست جزیره ایست بلند در شانزده درجه
 جنوبی در وسط بحر مغربی صد شانزده اطراف آن
 اثر زمین نیست مجموع کوهستان که سوی کوهکات
 شهر لنگرگاه دارند و دایره محیط آن است پنج میل است *
 بته سنگ های طرف بحر سیه و سوخته اند اما در
 سنگ های وسط سبزی چمن و بوته های گز زرد
 و گلاب صحرایی و میوه صحرایی که در بلاندیری نامند
 بسیار است اکثر اوضاع آن درخشش بافضا و هواست * بلندی
 سنگ های هیچ جا دیده از دو طرف نیست در آمدنه
 این همه جا باغات ساخته اند و شهر طور که ممکن
 شده راهی پو پیچ و خم که دو اسب برابر رفتار تواند کرد
 هموار نموده بدترین شرابه و کوچک در آن شهر وجود
 ندارد * وزیاده از دو سه چشمه آب در آن نیست
 و سبزی باغات و علف منحصر در بارندگی است در سفوات

امساک باران حیوانات از بی آبی و علف تلف
 شوند * و شیر گوشت و سبزی و مسکه و شیر سایر
 ماکولات و ما یحتاج آن شهر از فرنگ آرد * میش و مرغ
 و غیره حیوانات بسیار عزیز بوجود اند * مجموع میوه
 کدیب باضافه اندلس و کیده و خرما در آنجا بهم رسد
 و شیر گاو بسبب قوت علف آنقدر دهن دارد که روزی
 دو مرتبه بزخامت يك انگشت در نظر گرفته بندد *
 آبادی شهر سنت هلینا جدید است انگلش از سی
 چهل سال بعد فتح بنگاند بنا گذاشته اند غرایب
 تمام دارد وسط دو کوه متصل به ننگر گاه بهر نوع
 که زمین مسطح یافته اند عمارت کرده بدانترین در طول
 دو میل و در عرض بعضی جا صد قدم و بعضی جا
 بیست قدم * بحسب ظاهر در رشتنار سیل است
 و عهدا چند قهوه خانه و آشخانه و دکاکین بسیار مملو
 از هر قسم اشیا و عیدان خوردی برای قواعد سپاهیان
 دارد * و کوه های جانبین از آنقدر تند و تیز است که از
 حرکات بزکوهی سنگ از کوه جدا شده آسیب بستند
 خانها میرسانند و گاهی موجب هلاک مردم میگردد
 لهذا هر که بزکوهی شکار کرده پوست او بمعکمه آرد
 چیزی بستاند * اکثر مستف های کاهی و بعضی که پریلست

دیوارها از سنگ و آهک خانهای عوام از بالای کوه بعینه
 چون خانه مرغان نماید * اهل این شهر آنقدر سیاه رنگ
 و گندم رنگ اند که اهل آنها حبوش و عیب و فونگی
 بوده در پیش شهر مقتل بجز خندقی ساخته اند و بر کوه
 های جانبین مشرف بدینا تا خیلی راه بجزای مستقیم
 که هر یک برای خود قلعه ایست و چهار کوه را در آنی
 غرق کند وضع نموده بقاصد و کوه از شهر بر کوهی اند که
 سوای یکراه که بر دست قدمه آن است ندارد * بنای قلعه
 بسیار مستقیم عالی گذشته اند دیوارهای آن بعرض
 ده کز سدگ چین و برجهای عجیب هر قدر عمارت
 که انی الان در آن تمام ندهد سقف آن طاق بند است
 بر طاق های مذکور سنگهای زخیم با آهک بقدر چهار کز
 ریخته اند مطلقاً نشان چوب در آن نیست *

صفت جزیره آسشن * سه شده نشانزدهم
 جمادی الاول از جزیره آسشن که چون سفینه کوهی
 در وسط بحر مغرب از آب برآمده است گذشتیم
 غربی ما بفاصله یک کوه مانده بود بعد ازین
 تا انگلند که شصت درجه قرب یک و نیم راه
 است زمینی بنظر مسافری در نمی آید و بسبب

ذی‌بودن چنانچه آبی این جزیره آباد نشده مگر
 در عرض آن ذخیره آب باران میشود بعضی از
 چهارت بجهت شکر در اینجا توقف نمایند * سدگ
 پشت آنجا مدار بوفور می شود شب هنگام مردم
 رفته صدها را معکوس خوابانند و روزانه گرفتند
 بر چهار آرد و همچنین امروز در درجه هفتم جنوبی
 از ممالک آذربایجان همان سمت بود گذشتیم
 معیناً آب سرد و آب حاجت برضائی است *

فکر مرغی شیب * یکشنبه بست و یکم جمادی الاول
 از خط استوا بجانب شمال گذشتیم سردی هوا و
 آب تمام شد و فایده از بی‌مزگی آب تلخ نام
 گردید * در این حوض ماهی پرند بوفوری بود که
 مزیدی برون منصور نیست * جانور اینکه در صورت
 ماهی است و خر مولد بقدر سیصد عدد از بحر
 برآمده برای چرای غلف نیم کوه در خشکی رفتند
 نقش سم ایشان چون موش گوه کرده آدمی که
 در خمیر فرو برند در تمام ساحل نمایان بود در
 اندام مراجعت کپتان کلات یکی از آنها را بندوق
 در دیوان بقصد اذتمام بر او حمله آوردند کپتان و
 بعضی انسان همراهی در گوناگونها مختلفی شده و

بعضی خود را بکشتی رسانیده بر چهار کوه بخاند
 يك کشتی بر ساحل دارد جانوران مذکور خود را
 بکشتی رسانیده از دندان و سگد آبر قطعاً قطعه
 کرده * سه شنبه شرف جمادی الثاني مرتبه سیوم يك
 تجارت رسیدیم چه يك مدتی در جانب شمال هم
 از ده تا بست و هفت درجه پیوسته در وزیدن
 است نهایتش آنقدر مدد که آنطرف بهسافری میکند
 باینجانب نمی رساند * درین روز عدهی بشتت فذاه
 بخوردن آمد این دگر بود چه عدهی آن سحر باوجود
 کثرت و از عفتی آب بندر آمدن و همواره با چهار
 راه رفتن عین بطرف شصت نمیکند * سه شنبه هفتم
 جمادی الثاني شش چهار کشتی بقلوبی يك چهار
 منوار که نشان کمپنی بود از برابر ما بفاصله
 نیم کوه گذشتند تا امروز يك تجارت وفا کرده و
 روانه چهار بسرت است که در ساعتی ده میل
 راه می رود * شب حاجت برخواستی عیسوی چه ما در
 درجه هفتم جنوبی از آفتاب گذشتیم و حاء در
 بست و هفتم شمالي هستیم و هفت درجه از ان
 روز آفتاب مازن جنوب گشته چهل و دو درجه از آفتاب
 فاعله بهم رسیده در جنوبی استوا چنانچه گذشت

اینقدر سردی در فاصله سی و یک درجه عرض
شده بود * سبب این اختلاف جانبدین استوا که در
شمال گرم و مُنتَبِض و در هر فصل باران است
و جانب جنوب معتدل و خُشک قُرب زمین است
بجانب شمال و بُعد سمت جنوب *

فکر جزایر مدییره و جزایر خائیدات * جمعه دهم
جمادی الثانی از مُحافَظات جزایر مدییره و جزایر
خائیدات که در کُتب اسامی آثار درجات طولی
از آن نمایند و عرض بلندش یعنی دوری از خط
استوا که آنرا عرض بلند نامند سی و سه درجه
است گذشتیم شرقی ما با عمده کثیر ماندند * شنبه
یازدهم جمادی الثانی از مسائل دهده بحر روم که
رُست او به مشرق رفته مُتَّصِل 1 بحال سد شده
گذشتیم مصب مذکور بفاصله بعید مشرقی ما ماند *
و سه شنبه سیزدهم جمادی الثانی از محافَظی جزایر
مشرقی 4 آمریکا که اندکش آنرا 3 و سمت اندیه یعنی
هند غربی خوانند بفاصله که مرئی نشد گذشتیم *
ذکر اسباب رفتن بجزیره 4 ایرلند شنبه بیست
و پنجم جمادی الثانی مُحافَظات دهده 5 انگلس چفل

1 Aleppo. 2 America. 3 West Indies. 4 Ireland. 5 English Channel.

نه مابین آنگاه و فواید حاصل است رسیده بعد
 هر روز متوجه وصول بر سمت اندونزاه مشهور گنند
 بودیم که باه شرقی مانع متصد شده اتفاق رفتن
 بملک ایراند افتاد *

فکر شهر کونکات چهار تنیده بست و نهم
 جمادی اندلی آثار فرب شهر نو ظاهر شدن گرومت *
 اول کوهستان بست و تابع شمار تمام مزروع بنظر
 آمد بعد از آن داخل دهانه کو که در دو طرف آن
 قلعه بسیار مستحکم از سنگ بزی دفع چهارت
 مختلف ساخته اند شدیم بعد طی اندک فاصله
 تختای سنگ بسیار بزرگ بمنزل حوزره خور در وسط
 دهانه خور بنظر آمد که یک دهانه را در دیده بود
 بران تختای سدت قلعه عتین بسته اند * پس بگذار
 شهر رفته نگر کردیم پنجاه چهار خور و کلان که
 سه از آن مدور بودند در انجا نگر داشتند * این خور
 بشکل حوضی مدور منسحب شده مشرقی آن شهر
 قوسی شکل معمور شده * جانبین شهر نیز در قلعه
 از آن بزرگتر دارد یک سمت مصب دریای شیونین
 است و این شکل مدور * بتتر و صفا و همواری
 کوههای اطراف و نمود عمارت قلعه هر دو دیده

از بناطرف و جانوه عمارت و بناات شهر از جانب
دیگر و تا کردند که چهارتا بحدی کشش و مطبوع
واقع شده که مزیدی بران متصور نیست * چنان
معین میدونند که اطراف بحر مدور تمام معمور و
چهارتا درمیدان نذر دارند * بی شایسته خلاف
بمکذبت این شهر در تمام تمام شهری نیست مگر
شهر جدوه در مملکت ایندی که بحر آن یک
سمت تدویر و این نمره عمارت قلاع دهنده ندان و
کشده شش کشاده است یا استنبول آنهم بسبب
وسعت طول و عرض خرابی این چنین با بند و بست
و نچسپ نیست *

دور شهر کات پنجشنبه سیم سالخ جمادی ثانی
بر اسپها بسیر شهر کات رفتیم نصف النهار بشهر
کات رسیده در مهمان سوئی که زنان و مردان
خدمتکار و سجدهای با عفا و فروش خوابهای
نفیس متعدد داشت و از آن بهتر در آن شهر نبود
فرد آمدیم * مجموع این دوازده میل راه تا هر جا که
نظر دار میبود بناات و کذتربوسها و زمین
مزروع سبز و خرم بود * بعد لمحه بسیر شهر برآمدیم

چون موسم بارندگی و کوچها پُرگُل و لا بود خاطر خواه
 بعمل نیامد * آنقدر که دیده شد عمارت تمام چهار
 ضایته از خشت و آهک درها بخط مستقیم برابر
 در پیچها همه اوسه آئینده دار و خوب عمارت
 رنگین خانها وسیع از اندرون و بیرون پر زینت بود *
 در دیوارها از هر قسم آشیا مخصوص عیوه بتدریب و
 انتظام چیده بودند * و اوضاع شهرت بکمال داشت
 اما چون شهر به مصیبت تجارت و رسیدن مان
 بدر خانه تجار بسهولت در پستی دانه کوشی
 واقع شده و بسبب تپندهای کوه مقدم بدر قسم شده
 نمود شهرت و شکوه سوک ندارد و تا بدامن شهر
 نرسی مرئی نمی گردد و از آغاز زمستان تا بهار
 کوچهاش خشک نمی شود * نهری کسینف گنده که
 چهارات بسیار اکثر برای مرمت دران استاده در
 وسط شهر کنده اند و اطراف اوزا از سنگ و
 آهک بخته کرده آب آن متعفن و سیده است *
 بر روی این شهر بر مواضع متعدده پاهای سنگین
 مستحکم بسته اند که از یکطرف بجهت خروج و
 دخول چهارات کشاده میگردد و تخته عریض
 بسهولت بالا برداشته باز نهاده میشود * در شهر کاک

متحقق شد که لارڈ کورنوالیس که گورنر جانب
 بادشاه انگلند حاکم این جزیره است در ۵ اکتبر
 دبلن که از کاک چهار پنجره راه ۲ میل کوچ
 است قیام دارد و بغی و خروجی که اهل ایرلند
 در سنوات قبل به بادشاه خود کرده بودند بعد
 کشت خون و تضایای بسیار بحسن تدبیر و فرط
 شجاعت لارڈ موصوف فرو نشسته * بدترین و دم بسبب
 ذراعت و ضرورت آن سر زمین و کثرت اسباب
 مسافرت ترم من جنم شد و رای همین قرار یافت
 که چهار را گذشته از اینجا براه خشکی باندن روم *
 و چون از آغاز سفر هفتاد بود که بعد سیر انگلند
 بدیدن لارڈ معزلیه بدین جزیره آیم انون که
 بحسب اتفاق بدین سر زمین رسیده ام بهتر که
 کار آخر را پیش اندازم * بدترین شده دوم ماه رجب
 زواید اشیا و نوکران را بر چهار مذکور گذاشته
 با قدری پارچه پوشاکي نسوزی دیگر براه روانه کات
 شدیم * این مرتبه بسوزی کشتی خورد بی پوشش
 از راه دریای شیدین بشهر آمده در همان مسافر خانه
 فرود آمدیم * دو روز در کاک گذشت باجمله

دوشنبه چهارم رجب در میل کوچ نشسته برآنکه
 ۱ تبارن شدیم هر واحد سه گدی که بقدر سی روپیه
 باشد کرایه کوچ داد * چون آن کوچ حامل خطوط
 حکام نیز می باشد و بعضی راه نا هنوز خوب
 صاف نشده بود سه ذنر ترکسوار همه جا همراه ما
 بودند و هر جا تبدیل اسپهای کوچ میکردند اینها
 هم تبدیل می شدند * و هم بدین سبب بعد
 گذشتن نشت شب کوچ از حرکت باز مانده جمیع
 اسباب زندگی و زمستانی بلکه هر چیز ضروری
 درین راه مهیا بود * روز نوب حاضری در موضع
 ۲ فرهای که شهری کوچک نو احداث مطبوع است
 خورده شد و طعام شب و خواب در ۳ نلامن
 بعمل آمد مردم آنجا به آواز بوق کوچبان از قرب
 کوچ خبردار شده بجهت وصول همه چیز حاضر
 میکردند * چنانچه بجز خوردن توقف دیگر نمی شد *
 اما از خوف عجلت کوچبان بدلیجمعی خور و
 خراب نمی شد زیرا که اگر کرایه دار بعد از
 آواز بوق علامت حرکت یک دقیقه دیر تر رسد
 کوچ را نمی یابد اسباب دران رفته و خود از

رُفقا جدا تا روز دیگر همان وقت بجا مانده و
کوچ روز دیگر اگر پر است و جای خالی ندارد
تا روز آینده صبر می باید کرد *

ذکر شهر کلکنی سه شبه پنجم رجب حاضری در
کلکنی خوردیم و شب در قصبه^۱ گراو بسر بردیم
این کلکنی از مواضع نامدار عشق خیز این جزیره
است در صفا و نزهت و دلکشی سواد ضرب المثل
داخل قول قولان و شعر شاعران است از غایت
خوبی و دلکشی بلده مذکور من آن روز پروای
حاضری نکردم و پارچه‌های نان در جیب انداخته
آنقدر مدت را بسیر بسر بردم * یک جانب آن
که رود خانه جار است و آن طرف رود خانه
میدان سبز و باغات موزون بی چار دیوار واقع
شده بی تفاوت چون بهشت دلیلیز است * آب
رود خانه از کوه‌های بلند سبز و خرم که ینسمت
آن کشیده است می افتد در موضع افتادن آب
آبشارهای موزون تراشیده اند که ملاحظه آن بی
اختیار نم از دل می زاید * و لطافت هوا و
مسرت انگیزی آنخانه بمرتبه ایست که بیخواست

طبیعت برقص میل می نماید چهار * شنبه ششم
 رجب قدری از شب گذشته بدین رسیدیم این
 سه روز تمام راه کوهستان اکثر جا پست و هموار
 بوده بعضی جا دامنه های کوه میدان مسطح و
 دیهات این ملک مثل پوره های هند اکثر سقف کاهی
 دارد و زیاده از ده دوازده خانه در اینجا معمور
 نیست کاه را به بند بید زخیم بندند و بعضی
 تخت های خاک با چمن بر آن چسبانند تا يك
 وجب گیاه بلند شده همه سانه سبز ماند *
 پنجشنبه هفتم رجب بمقام دین رسیده در انیش
استریت نزدیک کالج بخانه بیوه زنی نیکو اخلاق
 و دختران و پسران نیکو سیرت دارد رفته منزل
 بگرایه گرفتیم *

دین شهر دین دارالملک جزیره ایراند ببايد
 دانست که شهر مذکور واقع است بر لب دریای
 شور دایره محیط آن دوازده میل است خانه ها
 بعضی از سنگ تراشیده که بی آهک بر روی
 هم چیده و جفت بند نموده اند و اکثر از
 خشت و آهک بسیار صاف که طرف بیرون

خط باریکی از آهک دور خشت نمودار است و طرف ادرین سفید کاری و تذهیب و اسباب زینت معموله فودت اکثر چهار طبقه و بعضی بیش از آن عدد طبقات در يك ^۵ = ۱ و کوجه یکسان یکدرجه از آن ته خانه برای مطبخ و ذخیره نهادن زغال و یخ و امثال آن اشیا و گذاشتن ظروف چینی و شستن پارچه تمام داخل خانه و ظروف مطبخ و نذیره * درجه زمینی برای دوستگان و خوردن طعام و حاضرین و بالاخانه اول برای نشیمن زنان و مجلس شب نشینی و دوم برای رخت خواب صاحبان خانه و بالاخانه سیوم که سقف پشت محافظ باران و برف صندوقی که پیرایه بر آنست و زینتی ندارد برای رخت خواب و نشیمن چاکران زن و مرد و ذخیره نهادن زغال مقرر است * و کپیده از تخته سنگ نازک مسطح یکوجیب هر طول و نیم هر عرض میباشد ۵ هرقائب دوپله ساخته از چوب خشک باریک هبک برشته بخاری که مسطح و هموار است باهک کم بیکدیگر چسبانند • برجوب خانه همه کار رنگ و روغن اکثر سفید در پیچها همه

اوری آیدندار دیوانه در پیچه تا دوته شده در دیوار
 جانبین جا کبود و پرده‌ها بعضی از شش‌چتر و
 اطلال و اکثر از جهت از جانب اندرون آویخته •
 و در هر حجره بخاری‌های سنگ مرمر است
 اندرون بخاری آتشدان مشبک از آهن یا برنج
 یکدست مرتفع از زمین آنقدر خوش طرز و ساخت
 نصب کرده اند که در زمستان بعینه کلدانی
 نماید و در تابستان گنهای کند بریده برون گذارند
 دیوارگیرها از کف‌های نشی و حاشیه‌دار فرش
 قالبین پشمی است اما در مداخل خانه‌ها پست
 و تنگ میشد چنانچه اگر نام صاحب خانه و
 عدد بران ننوشتندی تمیز شدن مادی این
 در همیشه بسته می ماند • و جانب بیرون در اکثر
 حلقه و در بعضی پیشی چون میخ طنبور برشته
 وابسته است که چون آنرا بشنند زنگی را که در
 نشیمن چاکران معلوم است بچندند تا چاکران
 فی الفور پائین آمده در وایند • و همچنین از حجره
 خانه زنگی در آن نشیمن آویخته است که چاکران
 از آن فهم کنند که در کدام حجره مطالبند و بعد
 حرکت در همانجا حاضر آیند • راه‌های کوچه همه

مفروش بسنگ منقسم بسه قسمت جانبین
 مخصوص پیداد مفروش بسنگ مسطح توشیده
 وسط از سنگ خارا برای کوچ و سوار * در اکثر
 مصلّات هر دو طرف دکاتین اهل حریفه است
 دوکانها وسیع روزانه از اوسیه های آئینه حجاب
 برو کنند و شب تندیهای استوار که در هر کوچه
 بیکرنگ و یک نقش معمول است بیرون اوسیه
 چیده از سینه های آهن که در عرض گذرند متقل
 کنند * شبای بنام روز و شب بر یک
 منون بدستزم نام در آنها چیده است * زیاده
 از یک سینه در معتمد رسم نیست و خریدار را
 اگرچه بیگانه و نا وقت باشد دنا و فریب ندهند *
 شرح نداشت اشیا و غرایب صنایع آن ملک
 و نیست چه ضرب المثلن اهل عالم است *

ذکر روشنی شهر قبلن وقت شب با آنکه در
 هر روزه دو قطار قدیل روشن چراغ که در ارتفاع
 یکسان است از هر کار پادشاهی روشن کنند * و
 دوکانداران پشت ورسی ها آئینه آنقدر شموع
 افروزند که مثل روز روشن شود * وقت شب وارد
 این شهر شدیم بهر طرف که میگذشتیم دو خط

طولانی از نور بنظر می آید و از کثرت شعاع
 دوکانداران خصوصاً درکان عطاریکه شیشه‌های باورین
 بر رنگهای فتط بقصد نمود در آن نهاده میدشد *
 بازار چون امام بازه سراج‌اندونه و یا آصف‌اندونه
 مرحوم تماشاگاه در چشم می نمود * از انچه اسباب
 رنگینی و جنونه رنگین دیگر اینکه در هر دوکان يك
 یا دو اوری سیاه تاب کنند و در وسط آن يك
 دو سطر بخط بسیار خوش و جای بآب از یا نقره
 از اشیای آن دوکان نویسند چنانی آن سطر بسینه‌ی
 بر آئینه ساده و سطر است و دور حروف تحریر
 آب طلا است * و بر پیشانی هر دوکان ایضا تخته
 سیاه رنگ بعرض نیم وجب و در طول بقدر حد
 دوکان که يك سطر بآب طلا در آن نوشته اند میدشد
 چنانچه از اتصال تخته‌ها بهم حاشیه بنظر آید *

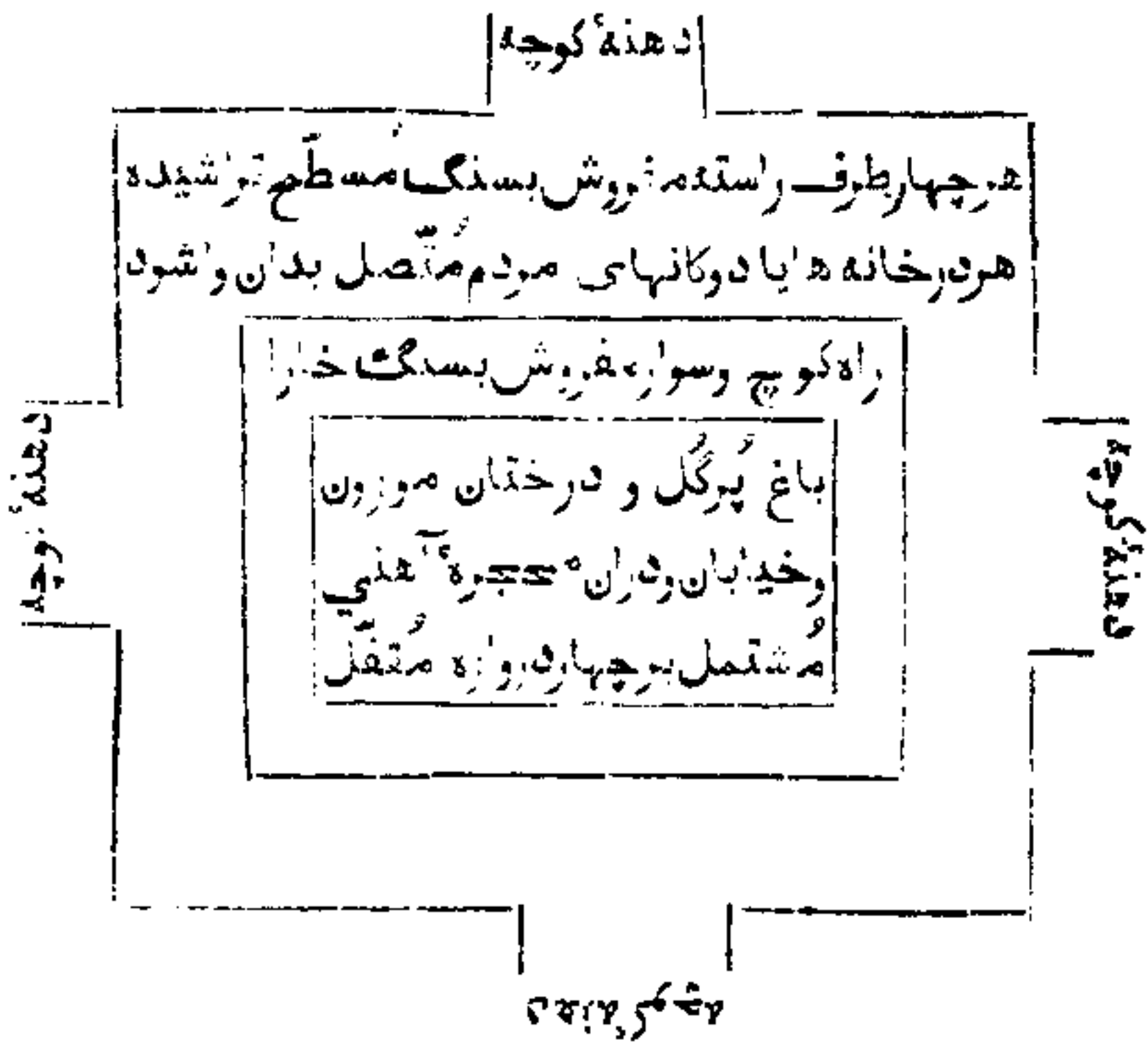
ذکر کثرت عرابه‌ها کثرت کوچ و عرابها آن قدر
 است که از روز ورود قیلن گذاشتن ملک فرانسیس
 که مدت سه سال باشد آواز پایه کوچ گاهی چه
 شب و چه روز از گوش بریده نشد و هر وقتیکه در
 خواب بودم یا در حُجره خواب که اکثر حُجره در حُجره
 و بسبب جفت و بند اوری‌های مدت از رسیدن

فربك كوچها مصدين مي باشد * و ازین جاتند آنها تخمین
 و قیاس میتوان کرد که هزار عرابه در پایه يك اسبه
 برای انداختن قازرات شهر و هفت صد کوچ
 کرایه است که مردم را ازین محله بدان محله میدرسانند
 و بیرون شهر میدوند * و کوچهای سواری اشرف که در
 متوسط مَنَدول را بعد کدخدائی نگاهداشتن آن لازم
 است و میل کچها که مسافرن را باطراف می بود
 و عرابه های بارکشی علاوه است و کرایه هر يك بحساب
 ۱ امیال مُتَوَر و سنگ امیال در هر رُهی منصوب
 بنابین میانه مَنَدول و کرایه دار هیچ گاه گفتگو بمیان
 نمی آید و تَضیع وقت نمی شود * مجموع این ها را
 اسب های زخیم طویل القامت که خاص این مُلک
 و دَرن دو جزیره پیدا شوند میکشند * از گاو ماده بجز
 شیر و مسکه و از نر بجز خوردن گوشت قدری دیگر
 ندارند * مایش این مُلک بی دنبه و گوشت اولدت
 و چربی فراوان دارد *

فکَر چار سوهای این شهر بسیار وسیع و فراخ و در
 وسط چارسو چشمه آبی می باشد که برای سایه
 بران صفا بلند ده ذرع مُربع از سنگ ساخته و چهار

طرف، شیردهان گذاشته اند هر کس که خواسته باشد
 ظرف خود زیر شیردهان گذاشته کلید را بپیچ میدهد
 و چون ظرف پر آب شد کلید را را پیچیده راه خود
 میگیرد * بالای آن صدف اکثر در وسط دیکل اسپری
 تمام قد از سنگ که سوار آن شبیه باد شاهی از
 باد شاهان نندن است ماصوب *

ذکر اسکیرها و پارکها در وسط بعضی چارسوها
 میدان است مربع از قدین چوک هند که اسکیر نامند
 دایره محیط بعضی نیم میل و بعضی ربع میباشد
 در وسط آن باغی و خیابانها برای مشی صبح و شام
 آنجماعت که خانه های آنها در آن مربع میشود
 موضوع است باین شکل *



این اسکیر زینت بسیار بشهر بخشند و صبح شام در
انجا مردم بیند یگر رسند و گفت و شنید بهم نمایند
درین وقت ارباب ساز هم اکثر بتانجا حاضر شوند
و بخرچ دو سه فنوس سماع خوب دست دهد چون
زیاده ازان مشی و جمعیت خراهند بیپارک روند
و آن عبارت از میدانی است محصور بدیوار که دران
مورغزار و آب جاری و پنهای سنگ مرمر با آهن

بران بسته اند و قطار درختان سایه دار برای چوای
 جانوران مطبخ موضوع است * و آشپز و دوزن هم ندران
 سر دهند که بطور خود دران بسر برده بچه بر آرند
 چون گوشت آنها مطاوب شود به بندوق شکار کنند یک
 جانب آن عمارت و باغ و بستان نیز میباشد در
 هر شهر دو سه پترک و روز شنبه مطاف کثر
 صغیر و کبیر آن شهر است * سوک دبلن زمین
 مسطح باصفا دنگشا خوش هوا و فضا بسیار بهتر
 از لندن واقع شده و شهرهای خود و مطبوع
 و باغات مزین که اکابر شهر موسم تابستان
 دران بسر برند روزها بوی کتساب هوا بر اسپ ها
 یا کوچ ها در راه های آن تودک نمایند درو ضیاع
 بسیار است خصوص یکسمت * ۱ فینکس پارک که
 بی شایسته اشراق در مدت عمر چندین جای دنگش
 ندیده ام در دامن پارک مسطور رود خانه که در
 وسط شهر دبلن میون بر سبزه ها غلطان میزند
 هردو کناره آن هموار و در پل از سنگ مومر
 در آن سبزی مد نظر است و آنطرف رود خانه
 متصل بآب * دو شهر مطبوع که همه عمارت آن

سنگین است در دامنه کوه‌های سبز هموار میزند و
 و جانباً سفیدی برف بر آن کوه سبز چشم بیننده
 را خیره میکند از مشاهده این مسیور نرستی
 خندان انگلش که با وجود آن جاه و نوری سکونت
 هندوستان را تفریح میدانند برهن بدن شد و
 دانستم که حق بجزایب ایشان است * دیگر سواد
 سمت بحر که سگرده هزاران چهار است و صدوقچه‌های
 چوبین که اندرون آن دو حیره غسل خانه و زیر
 آن چهار پایه میباشد صدها در ساحل بحر ایستاده
 که بسبب آن پاینده او را جالجا برند و در موسم
 تابستان اشوه قنن در آنها رفته بآب بحر که
 بسیار مفید است غسل نمایند *

دور نذای شویبی از شرایب ابدیه اینطرف
 برجی است که بدامنه نیم کوه از ساحل درعیس
 بحر بسته اند و دیواری بعرض چهل کز از ساحل
 تا برج سمت دیده * فایده برج اینست که شب
 هنگام قذیل بزرگ از روشن در آن آویخته میشود
 تا چهارت آن روشنی را دیده راست بلندگواه رسد
 و از مواضع خطرناک که دران نواح زیر آب
 بسیار است و در کتب ایشان نشان است متفرس

شده مُتَضَرَّر نشوند و فائدهٔ دیوار منع طغیان آب
 بحر بطرف شهر است * سوی این بند های خود
 تا هزار دُرع در طول و پلهای سنگین بر شعب
 بحر در میان دَبان و شهرهای نواح آن بسیار است
 دریای شیرین در نواح دَبان در حصه شده به بحر
 میریزد یک حصه که بندر گومتی کهنه در طغیانیدست
 در وسط شهر جایست هر دو آب آن تامصب چون
 نه‌ها بسنگ و آملک پخته کرده اند و پلهای
 وسیع سدگین جایجا بر آن بسته هر دو طرف پلهای
 و لب آن دریا بر سیخهای آهن هنگام شب قندان
 بسیار روشن میشود در نظر عابورین چراغان عمده
 که در شهرهای همد و ایوان در جشنهای بزرگ
 کنند هر روز مشهود میگردد *

ذکر نه‌های دَبان در نواح دَبان نه‌ها تا سه
 روزه راه بسیار دیده شد که چوب و زغال و دیگر
 اشیدای ثقیله بر کشتیهای خود از آن راه از شهری
 بشهری نقل کنند * خصوص یک نه‌ که از دَبان
تاکاک نو بریده اند هر دو جانب آن هموار و چمن
 زار کرده اند و بر هر دو لب درختهای موزون قوی
 شاخ دراز عمر نشانده * آبهای جاری که درین مُلک

بسبب کوهستان و فور دارد بدین نهر می پیوندند آن طرف دین این نهر بحرضی کُلان پیوسته که عمارت آن تمام از سنگ است حوض منسحب بچند نهر گشته که خانهای عمده کشتی و اسباب کشتی سازی و نجاران بران است •

ذکر عمارت نامدار دین از جمله عمارت نامدار دین یکی کالج یعنی مدرسه است که تمام سنگین است و دری نمایندشان دارد و در وسط آن عمارت بزرگ پنج طبقه برای مدرسان ساخته اند • چهار طرف حجره های وسیع بجهت نشیمن طالبان علم است تا یکپنجاه دو صد طالب علم درین مدرسه جمع آمده اند و جا یافته • یک حجره صد گز طول و بیست گز عرض مخصوص کتاب خانه است بر دیوارهای اطراف آن از پائین تا بالا بتدریج تختها نصب کرده اند و چهل هزار کتاب از انواع علوم درین بانظام چیده اند • ازین جمله خمسة نظامی و شاه نامه و چند کتاب فارسی دیگر خوش خط مذهب در غلاف های مخواب عمده بود • در ایوانی دیگر عجایب عالم که نگاهداشتن آن مرسوم و بسیار مرغوب مردم این